سخن روز

راه علاج مشکلات اقتصادی

ادامه از صفحه اول/ بود که تواستیم به بالای هشت درصد برسیم و مابقی سال‌ها به‌طور متوسط ۵/۵ درصد است. معلوم نیست آقایان با چه منابعی در بودجه ۱۴۰۱ نوید رشد هشت درصدی را می‌دهند؟ خصوصا با توجه به وضعیت تحریم‌ها، برجام و افرادی که می‌آیند اضافه بر مشکلات اقتصادی کشور است. به هر جهت راه حل، داشتن یک برنامه مدون است. یک برنامه بنچماله، یک برنامه بلندمدت و یک برنامه یکساله که باید بودجه متوازن و کارآمد باشد. از این رو یکی از اشکالات بودجه ۱۴۰۱ این است که بودجه باید به عنوان یک مقطع یکساله از برنامه پنجساله باشد که نخست باید برنامه پنجساله هفتم توسط مجلس تصویب می‌شد و بعد بودجه ۱۴۰۱ به عنوان برنامه سال اول این برنامه توسعه می‌بود که این کار هم انجام نشد و حرکت در تاریکی است. به نظر می‌رسد هدف، معنی و مشخص از شاخص‌های کلان مشخص نیست و همان‌طور که پیداست، خیلی مثبت و رو به جلو نیست و نشان از حرکت‌ها و تصمیم‌گیری‌های غیرموثر دولت است. وضعیت کشور، تحریم، افرادی‌ای‌تی و رجام هم نامشخص است. اگر مسائل سیاسی حل شود و به کمک مسائل اقتصادی بیاید، شاید وضعیت بهتر شود و گرنه با این اوضاع احوال که پیش‌بینی می‌شود، نه وضعیت اقتصادی بهبود خواهد یافت و نه حرکت وضعیت جاری رو به جلو خواهد بود. مسائل اقتصادی در مواقع اول تحت تاثیر مسائل سیاسی است و در وهله دوم در گرو داشتن یک برنامه مدون اقتصادی و یک چارچوب کارآمد است که اکنون خیلی روشن نیست. وضعیت اقتصادی، درآمد و سفره مردم بسیار کوچک است و تجمع‌ها و راهپیمایی‌هایی که گروه‌های مختلف صنفی انجام می‌دهند، نشان از این واقعیت دارد. امری که فراگیر شده ولی دولت اقدام موثر فوری در رفع این مسائل و گرفتاری‌های مردم و بهبود وضعیت اقتصادی در عمل انجام نداده است. رسیدن نرخ برنج به هر بزکیمه هزار تومان و گوشت، لبنیات و کالاهای اساسی و کالاهای بادوام مثل خودرو، طلا، مسکن هم که افزایشی است، مردم را روزبه‌روز فقیرتر و درآمد سرانه را کمتر می‌کند. قشر متوسط جامعه هم دارد از بین می‌رود و به جای اینکه این قشر مورد توجه قرار بگیرد و رشد کند، آرام آرام در حال محو شدن است و دو قشر برخوردار و محروم در جامعه به‌وجود می‌آید که وقتی رو به‌روی هم قرار می‌گیرند، یکسری مسائل و مشکلات اقتصادی سیاسی و فرهنگی به‌وجودمی‌آید که به نفع آینده نظام و اقلیت نیست. از این رو هشداری به دولت است که یک برنامه مدون برای حل و فصل مشکلات مردم طراحی کند و چند شاخص را هدف قرار دهد: مهار تورم، حل مشکل بیکاری، رشد اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاری که مستلزم جذب سرمایه‌گذاری است و تا سرمایه‌گذاری نباشد، تولیدی نخواهیم داشت و رشد اقتصادی ایجاد نخواهد شد و صادراتی به آن شکل نداریم و مشکلات اقتصادی همچنان لاینحل باقی خواهد ماند. ضریب کینه‌ای که به عنوان شاخص عدالت است، بهبود و کاهش یابد، زیرا الان به صورت مشخصی بالا رفته که موجب بی‌عدالتی در یکی، دو سال اخیر جامعه شده. مسائل سیاسی به‌خصوص سیاست خارجی را مورد توجه قرار دهند و مسائل من را یا کشورهای همسایه حل کنیم و با دنیا تعامل بهتر داشته باشیم. برجام، افاف‌ای‌تی‌اف و تحریم‌ها هر یک زیر بغل بلند مدت‌تر حل و فصل شود که اقتصاد من تحت تاثیر مسائل سیاسی من قرار نگیرد.

نگاه

روزهای عقلانیت و تصمیم فرارسیده است

ادامه از صفحه اول/ ایران را به رسمیت می‌شناسد. درمقابل این موضع سوال‌ها وابهام‌های زیادی وجود دارد. آیا اقتدار فقط از طریق سخت افزاری حاصل می‌شود؟ یا راه‌های هوشمندانه دیگری برای احقاق حقوق مردم وجود ندارد؟ آیا ما می‌توانیم کاملا از برجام خارج شویم و همه توان خود را بر بالادرن، غنای اورانیوم متمرکز کنیم؟ در این صورت نتیجه چه خواهد شد؟ اولین نتیجه این اقدام پیوستن چین و روسیه به اردوگاه غرب در ماجرای هسته‌ای و ایجاد یک اجماع خارق‌العاده جهانی علیه ایران است. دومین نتیجه آن پرواز نرخ ارز و تورم به سمت رقم‌های باورنکردنی و انفجاری و سومین پیامد آن سوءاستفاده اسرائیل و آمریکا و عربستان و امارات و حتی رقیبان منطقه‌ای ایران جهت فراهم کردن زمینه حمله نظامی به ایران خواهد بود و آرزوی ایران سنیزان افراطی را برآورده خواهد کرد. فرض کنیم چنین پیامدهای عظیم وخطرناکی پدید نیامد و ایران غنی سازی اورانیوم را به ۹۰ درصد رساند درحالی که جمهوری اسلامی بارها تهیه واستفاده از سلاح‌های کشتار جمعی را مردود دانسته است یا اورانیوم که فقط به کار تهیه سلاح اتمی می‌آید می‌خواهیم چه بکنیم؟ چرا باید شعری بگوییم که در قافیه‌اش گیر کنیم؟ اگر قائلان به روش‌های تند و خطرخیز واقعا طالب رفع تحریم‌ها هستند و اوضاع وخیم معیشت مردم را درک می‌کنند نه تنها باید از تجربه‌های پرهزینه پیشین عبرت بگیرند بلکه راه‌های مقرون به نتیجه ایستادن درمقابل زورگویی‌ها را بیازمایند. تهران می‌تواند از طریق شناخت عالمانه مناسبات موجود سیاسی جهان، ایران‌ستیزان نشسته در تل‌آویو، لندن و واشنگتن را با بن‌بست مواجه کند و همه اعمال و ارزوهای روش‌شان را مخدوش سازد. با توجه به فشار عملی ایران ازطریق افزایش اقدامات هسته‌ای باید تاکنون هیات ایرانی مذاکره کننده متوجه شده باشند که بلاخره آمریکا امکان و تمایلی برای تضمین عدم خروج از برجام دارد یا خیر؟ اگر این نتیجه مطلوب دردسرتر نیست تضمین محکم و قابل اتکایی وجود دارد که ایران می‌تواند به آن تمسک کند و بدون هراس پای توافق را امضا کند. تضمینی که در دست هیچکس جز خود ایران نیست. چه در توافق احتمالی فیه شود یا حتی فیه نشود، اگر ایران اعلام کند که درصورت خروج آمریکا از برجام بلافاصله همه تعهدات برجامی را فورا لغو خواهد کرد و باسرعت اقدامات هسته‌ای خویش را ازسرخواهد گرفت سخن کاملا منطقی و جهان پسندی گفته است. درنوبت پیشین تاپیشرفت‌های کنونی هسته‌ای در ایران فاصله ۲ سالهای وجود داشت درحال حاضر به گفته خود آمریکایان، فاصله چند هفته‌ای بیشتر نیست وهزینه خروج از برجام برای آمریکا روشن، شفاف و قاطع است و جهانیان برآن شاهد خواهند بود. چنانچه روی این همه تمرکز و تاکید رسمی شود، درقبال فروگذاشتن تعهدات هسته‌ای این عهدشکن و خارج شده از برجام است که مسئولیت عینی خواهد داشت. نکته اصلی وبسیار مهم اینکه حتی اگر آمریکا در این زمینه تضمینی ارائه کند به مناسبات داخلی آمریکا بار می‌گردد که ما در آن مدخلیتی نداریم. فرض کنیم برجام در کنگره تصویب شود، که البته یک امتیاز وتضمین نسبی محسوب خواهد شد ولی هر آن که تصور کنند ایران امکان مقابله ندارد به سرعت در همان کنگره خروج را از تصویب خواهند گذراند. در همه معاهدات بین کشورها و توافق‌های جهانی آنچه تضمین اجرایی ایجاد می‌کند توازن قواست. تازمانی که هردو سوی یک توافق اهرم‌هایی برای عدم عدول طرف مقابل دردست داشته باشند توافق باقوت اجرا خواهد شد و هر زمان این اهرم‌ها سست شوند، نه یک امضا که ۱۰۰ امضا هم قادر به ادامه حیات توافق نخواهند بود. با این تفاصیل ایران به‌عنوان طرفی که ابزار لازم را دردست دارد حتی می‌تواند انعطاف بخرج دهد واین انعطاف را به‌عنوان یک اعتبار بین‌المللی خرج کند و فشار روانی و تبلیغی متوجه آمریکا نماید. ما می‌توانیم به‌عنوان یک طرف مقتدر، صلح‌طلب، هنجارآفرین باشیم و طرف مقابل را زور گو و ظالم باسابقه عهدشکنی معرفی کنیم و لو از در صحنه دیپلماتیک و رسانه‌ای خلع سلاح کنیم. چنین موضع صادقانه‌ای حتی درداخل هم اثرات مثبت خواهد داشت وحمایت مردمی بزرگی ایجاد خواهد کرد. در مقابل ارائه چهره‌ای لجباز فاقد درشان ملت ایران نیست، چیزی که غول‌های تبلیغی بیگانه درصدد القای آن هستند.

حسین انصاری راد در گفت و گو با «آرمان ملی»:

تازه رسیدید به همان برجام ظریف

عکس: آرمان ملی/ فاطمه فتاحی

مدیریت کشور را از اسارت سیاست خارجی رها کنید

دوران سلطه و تسلیم گذشته؛ باید متعادل رفتار کنیم

اعتماد به روسیه و چین ما را به بن‌بست نکشاند

اجازه ندادند رئیسی از مواهب برداشته شدن تحریم‌ها استفاده کند

تحریم‌ها می‌توانست در دولت روحانی برداشته شود

مردم همچنان در تنگناهای زیادی زندگی می‌کنند

چین تاجر یک طرفه‌ای است که معاملاتش به سود خودش تمام می‌شود

آرمان ملی- احسان انصاری: عملکرد دولت در ماه‌های گذشته به چه میزان باعث ایجاد امیدواری در بین مردم شده است؟ رویکرد نگاه به شرق به چه میزان می‌تواند منافع ملی ما را تأمین کند؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سؤالات با حجت‌الاسلام والمسلمین حسین انصاری راد دفال سیاسی اصلاح‌طلب گفو گو کرده است. انصاری راد معتقد است: «دوران سلطه و تسلیم و سازش گذشته است. امروز شرایطی بر جهان حکمفرما نیست که ما هراس داشته باشیم تحت سلطه فلان کشور قرار داشته باشیم. به همین دلیل عدم ارتباط با کشورهای جهان معنا ندارد و بلکه باید با همه کشورهای جهان و از جمله آمریکا ارتباط داشت. اگر مابین رابطه خود با غرب و شرق تعادل ایجاد کنیم می‌توانیم از فرصت‌های بیشتری در بستن قراردادهای اقتصادی استفاده کنیم و تاجر نخواهیم بود که اگر فرد غریبی که او را فیلا ندیده بود، بر جمع آن وارد می‌شد، او را نمی‌شناخت. چین هیچ تمایز ظاهری با دیگران نداشت. بعد از حضرت خمینی مرتبت، دومین شخصیتی که قطب جذبه و کانون همه فضائل انسانی بود تا جایی که برخی به غلط و از سر جهل در باره او گمان خدایی بردند، علی (ع) بود. علی وقتی از سر اکراه و بی‌میلی و با اصرار و هجوم مردم، امر خلافت را پذیرفت، از جمله تلاش‌هایش این بود که در مورد خود کاریزماشکنی و ابهت‌زدایی کند تا مبادا مردم و ضعیفان در برخورد و تعامل با وجاز لکنت شوند. از جمله توصیه‌های کاریزماشکنش این بود «ما من آنچنان که با جباران سخن می‌گویند سخن می‌رانید و چنان که با مستبدان، محافظه‌کاری می‌کنند از من کناره مجویید و با ظاهرآرایی به طور تصنعی رفتار نکنید و شنیدن حق را بر من سنگین مپندارید و نخواهم مرا بزرگ انگارید، چه آنکس که شنیدن سخن حق بر او گران افتد و نمودن عدالت بر وی دشوار بود، که بار حق و عدالت بر او دشوارتر است. پس، از گفتن حق، یا رای زدن در عدالت بازمایستید که من خویشتن را برتر از آن نمی‌دانم که اشتباه نکنم و نه در کار خویش از خطا ایمنم، مگر که خدا مرا در کار نفس کفایت کند که از من بر آن توانائر است» اکنون کافی است انقلاب ۵۷ را در چهل و سه سالگی‌اش از همین منظر ارزیابی کنیم تا دریابیم چه شکاف عظیمی بین آن با مکتب و مذهبی است که به نام آن مردم را به خیابان آورد. با این همه، هنوز فرصت برای تصحیح و برگشت از مشی گذشته و آغوش گشودن به روی قاطبه مردم و نخبگان و اهل فکر و اندیشه وجود دارد و می‌توان با گشودن راهی جدید ایران و انقلابش را که در بنیاد و آغاز مبانی آزادی و مردم‌سالاری و انسانیت و اخلاق و معنویت بود- نجات داد.

یادداشت

انقلاب اسلامی و رهبری کاریزماتیک

مهدی نصیری
کارشناس مسائل سیاسی

اگر قرار به آسیب‌شناسی و بازنگری در انقلاب ۵۷ که ولوله‌ای در عالم انداخت و همگان را متوجه خود کرد و حتی متفکری مانند میشل فوکو را به وجد آورد و انقلاب ایران را روح جهان بی‌روح خواند، باشد بدون تردید باید یکی از آفت‌ها و آسیب‌های مهم آن را رهبری کاریزماتیک و فرهمند دانست. رهبری کاریزماتیک یعنی آنکه رهبر واجد چنان جذبه واقعی یا موهوم باشد که مردم را مجذوب خود کند و قدرت نقد و ارزیابی عملکرد خویش را از آنها بگیرد و یکه‌تاز میدان در ایده‌پردازی و سیاست‌ورزی و مدیریت باشد و کمتر کسی را یارای نقد و مخالفت با او باشد. کاریزما وقتی ابعاد زیانبارتری پیدا می‌کند که صبغه دینی و تقدس به خود گیرد. ولایت فقیه که قرار بود نماد دین شناسی و تقوی و تواضع و خاکساری و تدبیر و مدیریت و زمان شناسی و مردم گرایی و خردورزی باشد به تدریج به ولایت مطلقه و مقامی فراقانون ـ که قانون اساسی کف اختیارات است! ـ و همه چیزدان است و باید همه صداها موید او باشند و صدایی بالای صدای او نباشد و همه گروه‌ها با سرانگشت تدبیر او حل شود و مخالف یا او مخالفت با خدا و پیامبر است، تبدیل شد و این امر شاید مهم‌ترین عامل بی‌گل نشستن امروز کشتی انقلاب بهمن ۵۷ باشد. بارها شنیده شده که کسانی یکی از برترین ویژگی‌های رهبری امام خمینی را جذبه معنوی ایشان می‌دانند که کمتر کسی را زهره و جگر گفت‌وگو با ایشان به‌ویژه از نوع انتقادی‌اش بوده و حتی مقامات عالی نظام هم بعضا جرأت نقد و اظهار سخنی خلاف میل ایشان را نداشته‌اند! در حالی که از منظر اصول و قواعد یک حکمرانی مطلوب و خردمندانه، اگر حاکمی چنین ویژگی‌ای داشته باشد باید آن را آفت حکمرانی‌اش دانست و نه مزیت آن! اگر قرار به مشروعیت و مطلوبیت رهبری کاریزماتیک و فرهمند بود، باید شخص پیامبر خاتم و گوهر آفرینش حضرت محمد بن عبدا... (ص) به عنوان فرهمندترین رهبر تاریخ شناخته می‌شد اما او در دوران پیامبری‌اش با گفتار و رفتار خود تلاش می‌کرد تا هر گونه کاریزمایی را که موجب غلو درباره او می‌شود و عقلانیت را از بین‌برانگیز و سبب جذب قلب‌ها و تسلیم شدن بی‌چون و چرا می‌شود، از بین ببرد. در دوران سلطه و سازش گذشته است. امروز شرایطی بر جهان حکمفرما نیست که ما هراس داشته باشیم تحت سلطه فلان کشور قرار داشته باشیم. به همین دلیل عدم ارتباط با کشورهای جهان معنا ندارد و بلکه باید با همه کشورهای جهان و از جمله آمریکا ارتباط داشت. اگر مابین رابطه خود با غرب و شرق تعادل ایجاد کنیم می‌توانیم از فرصت‌های بیشتری در بستن قراردادهای اقتصادی استفاده کنیم و تاجر نخواهیم بود که اگر فرد غریبی که او را فیلا ندیده بود، بر جمع آن وارد می‌شد، او را نمی‌شناخت. چین هیچ تمایز ظاهری با دیگران نداشت. بعد از حضرت خمینی مرتبت، دومین شخصیتی که قطب جذبه و کانون همه فضائل انسانی بود تا جایی که برخی به غلط و از سر جهل در باره او گمان خدایی بردند، علی (ع) بود. علی وقتی از سر اکراه و بی‌میلی و با اصرار و هجوم مردم، امر خلافت را پذیرفت، از جمله تلاش‌هایش این بود که در مورد خود کاریزماشکنی و ابهت‌زدایی کند تا مبادا مردم و ضعیفان در برخورد و تعامل با وجاز لکنت شوند. از جمله توصیه‌های کاریزماشکنش این بود «ما من آنچنان که با جباران سخن می‌گویند سخن می‌رانید و چنان که با مستبدان، محافظه‌کاری می‌کنند از من کناره مجویید و با ظاهرآرایی به طور تصنعی رفتار نکنید و شنیدن حق را بر من سنگین مپندارید و نخواهم مرا بزرگ انگارید، چه آنکس که شنیدن سخن حق بر او گران افتد و نمودن عدالت بر وی دشوار بود، که بار حق و عدالت بر او دشوارتر است. پس، از گفتن حق، یا رای زدن در عدالت بازمایستید که من خویشتن را برتر از آن نمی‌دانم که اشتباه نکنم و نه در کار خویش از خطا ایمنم، مگر که خدا مرا در کار نفس کفایت کند که از من بر آن توانائر است» اکنون کافی است انقلاب ۵۷ را در چهل و سه سالگی‌اش از همین منظر ارزیابی کنیم تا دریابیم چه شکاف عظیمی بین آن با مکتب و مذهبی است که به نام آن مردم را به خیابان آورد. با این همه، هنوز فرصت برای تصحیح و برگشت از مشی گذشته و آغوش گشودن به روی قاطبه مردم و نخبگان و اهل فکر و اندیشه وجود دارد و می‌توان با گشودن راهی جدید ایران و انقلابش را که در بنیاد و آغاز مبانی آزادی و مردم‌سالاری و انسانیت و اخلاق و معنویت بود- نجات داد.**

دیدگاه

نه نازک نارنجی هستیم نه پوست کلفت

ادامه از صفحه اول/ واین ناطمینانی همراه مردم است. دولتمردان باید شرایط را به گونه‌ای مدیریت کنند که نگرانی‌های معیشتی مردم در کنار سایر نگرانی‌ها می‌کاهد. گرانی کشور باید با موقعیت ژئوپلیتیک خاص و با ظرفیت‌ها و منابع بسیار غنی است و هر کدام از اینها می‌تواند فرصتی برای اشتغال‌زایی و درآمدزایی بیشتر باشد. لذا وقتی با مردم صحبت می‌کنیم که خود من هم یکی از همین مردم هستم، الان دنبال رفاه آنچنانی نیستیم که اگر به ما ندادند، داد بیداد کنیم برای مواردی که ضروری نیست و چوز تجملات و برای زمان عیش و نوش است. لذا قشر نازک خیال یا نازک نارنجی هم نیستیم که چون نمی‌توانیم به سفرها و مهمانی‌های لاکچری برویم، اعتراض کنیم. دردی که ما داریم در یک معیشت و گذران روزانه است. واقعیت این است که در گزارش‌های اعلامی خود مسئولان کشور، راجع به خط فقر و تعیین حداقل میزان حقوق کارگری و همین‌طور بازنشستگان این تناسب وجود ندارد. از آن طرف هم لندن پوست کلفت نیستیم که دردمان نیاید. بلاخره این همه مدت تحمل کردیم. این همه مدت همکاری و همراهی کردیم، بلاخره دردمان می‌آید. آدم پوست کلفت است که دردش نمی‌آید. ما هم این در را برای خودمان احساس می‌کنیم چون زنده‌ایم و نمی‌توانیم بی‌تفاوت باشیم و هم درد دیگران را احساس می‌کنیم. حداقل این موضوعی است که ما در حوزه مددکاری اجتماعی بیشتر با آنها مواجه هستیم چون نمی‌توانیم از انسانیت به دور باشیم و از انسانیت به دور است اگر نسبت به درد مردم بی‌تفاوت باشیم. ما به واسطه نوع کاری که در سازمان‌های مختلف داریم، شاید بیش از هر کسی درد مردم را داریم می‌شنویم. گاهی مواقع استخوان‌های خود ما هم به درد می‌آید. واقعیت این است که باید تدبیر کرد و لااله‌اداده این شرایط نگرانی‌ها را بیشتر می‌کند. بارها گفته‌ایم که استمرار این شرایط حوزه امنیت را می‌تواند خدشه‌دار کند. هفته قبل هم یکی از نمایندگان مجلس در نطق پیش از دستور خوده به این موضوع پرداخت. حداقل در حوزه کارشناسی، سالیان سال است که این دغدغه‌ها دارد مطرح می‌شود. باور کنید، باور باور کنید بخشی از دردی که احساس می‌کنیم ناشی از تجربه‌های ظالمانه است، بخشی ناشی از بد مدیریت شدن حوزه‌های اقتصادی است که گاهی مواقع حتی می‌تواند تحت تاثیر دیپلماسی‌های اتخاذ شده و مدیران ناکارآمد، ناشایست و فاسد باشد که هرازگاهی اخبار اختلاس و غیرمتش را می‌شنویم و دیگر هم حیا نمی‌کنیم که نگوییم که هستند. لذا همه اینها واقعا دردمان می‌آورد و نمی‌توانیم نسبت به این شرایط از درد احساس نکنیم. چون آزمنه انسان بودن این است که درد دیگران را هم در کنار درد خودمان حس کنیم. به امید روزی که با تدابیر اتخاذ شده لبی مردم خندان شود. دلشان شاد شود و از زندگی‌شان لذت ببرند و هیچ پدر و مادری و هیچ بزرگی شرمنده فرزندان و کوچک‌ترها نشود.**

دیاکو حسینی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

جمهوریخواهان با قبل تفاوت کرده‌اند

◀ لزوما با پیروزی جمهوریخواهان برجام از بین نمی‌رود

◀ تغییر در متن برجام اصلا به صلاح نیست

◀ فشارها با احیای برجام از طریق دیگری وارد می‌شود

آرمان ملی- علیرضا پورحسین: امروز و فردای مذاکرات وین مشخصا یکی از مهم‌ترین مباحث سیاست خارجی ایران در دو سال‌های اخیر است. مذاکراتی که علاوه بر آینده ایران و منطقه بر عرصه‌های بین‌المللی نیز تاثیر خواهد گذاشت تا جایی که برخی کارشناسان بحران‌های نظامی همچون اوکراین و یمن را نیز به این مذاکرات مربوط می‌دانند. فارغ از تاثیرات جهانی این مذاکرات به نظر می‌رسد که شکل مذاکرات در روزهای آینده و واکنش ایران و آمریکا نسبت به آن در صورت توافق احتمالی مهم‌ترین مسائل در خصوص مذاکرات وین باشد. مذاکراتی که به مولفه‌های زیادی در داخل تبدیل شده است. آخرین مرحله خود قرار دارد و می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد. در راستای بررسی این مسائل «آرمان ملی» گفت‌وگویی با دیاکو حسینی، تحلیلگر ارشد مسائل سیاست خارجی داشته است که در ادامه می‌خوانید.

◀ گفته‌هایی مبنی بر اینکه معامله صورت گرفته است و روسیه اوکراین را تصاحب کرده و در مقابل ایران نیز به آمریکا رسیده است از اساس سمت دارد؟

این صحبت‌ها کاملا سطحی و غیرقابل کارشناسی است و ناشی از عدم درک صحیح از روابط آمریکا و روسیه است. اساسا چنین بحثی بین روسیه و آمریکا مطرح نشده و حتی قابلیت مطرح شدن را نیز ندارد به این علت که روسیه منافع کاملا حیاتی و مهمی در خصوص اوکراین دارد که در یک بستر متفاوت آن را دنبال می‌کند و به خاطر آن در مقابل آمریکا و غرب ایستادگی می‌کند. این یک مشکل قدیمی است که پس از فروپاشی شوروی و گسترش ناتو به سمت شرق آغاز شد. این نفوذ غرب به سمت مرزهای روسیه نگرانی‌هایی را ایجاد کرده که منجر به چالش امروز شده است. از سوی دیگر مساله ایران است که هم برای روسیه و چین مهم است و هم برای غرب اهمیت دارد زیرا هیچ کدام نمی‌خواهند یا یک قدرت هسته‌ای جدید مواجه شوند و در این خصوص مواضع خاص خود را دارند. این کشورها انحصار هسته‌ای را برای خود می‌خواهند و نخواهند پذیرفت تا یک قدرت جدید به سمت دستیابی به توانمندی هسته‌ای پیشرفته حرکت کند. مشخصا اگر تنش بین ایران و آمریکا در وین و به کاهش نرود، احتمالا مسیرهای دیگری به تحریک برخی کشورها در دستور کار آمریکا قرار گیرد و سطح تنش میان ایران و آمریکا را به بالاترین حد ممکن برساند که این نیز برای روسیه مثبت قلمداد نمی‌شود زیرا نمی‌خواهند شاهد وقوع یک جنگ بزرگ در مرزهای جنوبی خود باشند. این با منافع روسیه در تضاد است و مشخصا نمی‌خواهند کشور با اهمیت ایران درگیر یک جنگ بزرگ شود. به‌رغم اینکه هر دو موضوع متفاوت هستند اما حل و فصل آنها برای روسیه مهم است و منافع کلیدی برای آنها خواهد داشت. بنابراین موضوع ایران و اوکراین را نمی‌توان به یک معامله بین روسیه و آمریکا تقلیل داد. روسیه در وضعیتی قرار دارد که هم می‌تواند برجام را به سرانجام برساند و هم اینکه بر بحران اوکراین فائق آید زیرا اهرم‌های فشار مهمی در اختیار دارد. نقش روسیه در برجام کمایش سازنده بوده و این روند را نیز ادامه خواهد داشت. روسیه نیازی ندارد یک مساله را فدای دیگری کند و به همین علت دو پرونده ایران و اوکراین را پیش خواهند برد تا تنش زدایی صورت گیرد.

> **مسیری که دولتمردان در مدیریت کشور در پیش گرفته‌اند امیدواری و رضایت‌مندی کافی در بین مردم ایجاد نکرده است. در ماه‌هایی که آقای رئیسی سکان مدیریت کشور را به دست گرفته‌اند نه تورم کاهش پیدا کرده و نه دیگر مشکلات اقتصادی و فرهنگی مردم کاهش پیدا کرده است**

◀ با وجود این تغییر و تحول‌ها در عرصه بین‌الملل و با توجه به پیشرفت مذاکرات در روزهای اخیر آیا ایران باید به سمت حذف بندهایی از برجام همچون مکانیزم ماشه برود؟

این یک فضای رسانه‌ای بود که پیرامون برجام از همان ابتدا ایجاد شد زیرا اصلا عبارتی تحت عنوان مکانیزم ماشه در برجام وجود ندارد. اتفاقا در صورت بدعهدی ایران قرار باشد پرونده ایران به شورای امنیت ارجاع داده شود، رویه مشخص و معلومی دارد به این شکل که هر بار این مساله مطرح شود در ابتدا باید پرونده اختلافی به کمیسیون حل اختلاف برجام ارجاع داده شود و بعد از طی رویه مشخص و معین اگر موضوع اختلافی به نتیجه نرسید، آنگاه پرونده به شورای امنیت ارجاع داده می‌شود. قطعا ایران علاقه‌ای به‌وجود این مکانیزم در توافق ندارد و این بهانیی بود که برای شکل گیری برجام باید پرداخت می‌شد و غربی‌ها به آن نیاز داشتند تا بتوانند برجام را امضا کنند. امروز نیز ایران به دنبال احیای برجام سال ۲۰۱۵ بدون کم و کاستی است و بدون اینکه در آن موردی اضافه شود. بنابراین دست بردن در آن توافق می‌تواند خطراتی برای ایران در پی داشته باشد و مشخصا می‌تواند این انتظار را در غربی‌ها ایجاد کند که آنها نیز بندهایی به برجام اضافه کنند و خواسته‌های بیشتری داشته باشند. مشخصا این موارد معلوم نیست به نفع ایران باشد و به همین علت نیاید به سمتی حرکت کرد که توافق سال ۲۰۱۵ تغییر کند. طبق شواهد به نظر می‌رسد که در روزهای آینده تغییری در برجام سال ۲۰۱۵ ایجاد نشود و بندهای اضافی نیز احتمالا در یک تفاهم جداگانه مورد تایید طرفین قرار خواهد گرفت. پیوست و دستورالعمل اجرایی که احتمالا به برجام سال ۲۰۱۵ اضافه می‌شود می‌تواند محل مناسبی در خصوص بازنگری در مورد مکانیزم ماشه باشد به نحوی که نگرانی‌های ایران را نیز پاسخ دهد. بنابراین مطرح کردن خواسته‌ها در پیوست منطقی‌تر است. زیرا برجام ۲۰۱۵ به قطعنامه ۲۲۳۱ گره خورده و تغییر آن به صلاح نیست و مشکلاتی ایجاد می‌کند. مطالبات جمهوریخواهان و آمریکا نیز مشخصا با تغییر به برجام خطر افرین خواهد بود.

> **ایران به دنبال احیای برجام سال ۲۰۱۵ بدون کم و کاستی است. دست بردن در آن توافق می‌تواند خطراتی داشته باشد و می‌تواند این انتظار را در غربی‌ها ایجاد کند که بندهایی به برجام اضافه کنند و خواسته‌های بیشتری داشته باشند**

◀ آقای رئیسی به چه میزان موفق شده‌اند در جامعه امید ایجاد کنند؟ آیا رفتارشناسی دولت و چشم‌اندازی که برای آینده ترسیم کرده است نشان می‌دهد امید به زندگی در بین اقشار مردم افزایش پیدا کرده است؟

اگر واقع بینانه به موضوع نگاه کنیم هنوز امید در بین مردم به وجود نیامده است. به‌طرحال آقای رئیسی در رقابت‌های انتخاباتی و در مناظره‌های تلویزیونی وعده‌ها و شعارهایی را مطرح می‌کردند. با این وجود مسیری که ایشان در مدیریت کشور در پیش گرفته‌اند امیدواری و رضایتمندی در بین مردم ایجاد نکرده است. در ماه‌هایی که آقای رئیسی سکان مدیریت کشور را به دست گرفته‌اند نه تورم کاهش پیدا کرده و نه دیگر مشکلات اقتصادی و فرهنگی مردم کاهش پیدا کرده است. اتفاقا روند مشکلات همچنان سیر صعودی دارد و مردم در زندگی خود با تنگناهای زیادی مواجه هستند. اگر دولت تاکنون دستاوردی داشته باید در زندگی مردم خود را نشان بدهد. تنها در چنین شرایطی است که مردم نسبت به آینده امیدواری ایجاد می‌کنند و از عملکرد دولت رضایت پیدا می‌کنند. در صورتی که توافق سال ۲۰۱۵ تغییر کند قطعا اعتراضات از داخل آمریکا نسبت به بایدن بیشتر خواهد شد تا صدای آنها شنیده شود و بایدن را به عکس‌العمل وادار کنند اما مشخصا در کوتاه مدت و پس از توافق در وین سناتورهای مخالف نمی‌توانند مستقیما در مسیر توافق مانع ایجاد کنند. باید توجه داشت که سنگ اندازی‌ها می‌تواند موانع جدید در بلندمدت ایجاد کند و به همین علت ضرورت دارد تا به یک توافق خوب و حساب شده در وین دست پیدا کنیم تا در آینده توافق باز دیگر تهدید نشود.

◀ اساسا این کشاکش‌ها در داخل آمریکا پیرامون ایران ممکن است با انتخابات سال ۲۰۲۴ تغییر کند و اتفاقات دیگری پس از آن رخ دهد؟

مساله امروز تا حدودی سخت است و نمی‌توان پیش بینی کرد که در انتخابات سال ۲۰۲۴ آمریکا چه اتفاقی رخ می‌دهد زیرا مولفه‌های زیادی بر انتخابات آمریکا در سال ۲۰۲۴ تاثیر می‌گذارد که غالب آنها چند روز پیش از انتخابات آمریکا تغییر می‌کند و می‌تواند به صورت کلی فضای کل انتخابات آمریکا را دگرگون کند. تا آن برهه زمانی فاصله دو سال و چند ماهه وجود دارد. با این وجود باید توجه داشت که اگر دموکرات‌ها پیروز انتخابات سال ۲۰۲۴ باشند در برهه باقی خواهند ماند اما در عین حال فشارهایی بر ایران وارد می‌کنند تا منتقدان خود را نیز راضی نگه دارند. حتی پس از احیای برجام در دولت بایدن نیز ممکن است این فشارها علیه ایران اعمال شود تا یک توازن مدنظر خودشان ایجاد شود و ایران در کنار توافق در وین باید آماده چنین فشارهایی نیز باشد زیرا آنها به مسائل دیگر اشاره می‌کنند و بدون اینکه به برجام آسیبی وارد شود مثلا با بحث در خصوص مسائل منطقه‌ای به ایران فشار وارد می‌کنند. اینکه پس از انتخابات ۲۰۲۴ چه اتفاقی رخ می‌دهد تا حدودی به رفتار ایران در نحوه تعامل با سایر کشورها نیز بستگی دارد. اگر هوشمندانه عمل نکنیم شاید در همین دولت بایدن نیز زیر فشار قرار گیریم. نکته‌ای که به علت اینکه تمرکز دولت بایدن بر روی احیای برجام است خیلی به چشم نمی‌آید. از سوی دیگر باید توجه داشت که اگر یک چهره جمهوریخواه در آمریکا در سال ۲۰۲۴ به قدرت برسد لزوما از برجام خارج نخواهد شد و احتمالا آنها از اشتباه دونالد ترامپ درس‌هایی گرفته‌اند و دیگر اشتباهات او را تکرار نمی‌کنند. همه چیز بستگی به روابط ایران و آمریکا در آن سال دارد و اینکه جنبه‌های دیگر دیپلماسی چگونه پیش برده می‌شود و چه دستاوردهایی حاصل می‌شود. با این وجود جمهوریخواهان علاقه کمتری دارند تا در برجام باقی بمانند و همچنان روبه سخت گیرانه نسبت به ایران خواهند داشت اما شاید از مسیری متفاوت از آنچه ترامپ در دستور کار قرار داده بود وارد این عرصه شوند. اگر جمهوریخواهان در سال ۲۰۲۴ پیروز انتخابات شوند زیرکانه‌تر عمل می‌کنند و دست بر روی مسائلی می‌گذارند که بتوان از آن طریق به ایران فشار سیاسی وارد کرد تا ایران مجبور به ترک برجام شود. به این معنا که آنها دیگر زیر میز بر